



جاودانگی راه امام

# رمز بقاء انقلاب

حجة الاسلام والمسلمین اسدالله بیات

قسمت یازدهم

قرار گیرد و در میدان عمل به حقایق آن تقید بعمل آمده و با اعمال و کارهای ناپسند در دنیای اسلام و توسط خود مسلمانان چهره نورانی آن گریه و ناپسند جلوه داده نشود و اسلام خالص و ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم از اسلام حاکمان دروغین مسلمان و متحیران اجنبی از روح و حقیقت اسلام و آخوندهای دین فروش تفکیک و جدا شود و بشکل یک نظام منسجم و سیستماتیک درآید و حکومت اسلامی در تمام ابعادش پیاده شود و تحقق پیدا کند، بشریّت به کمال مطلوبش خواهد رسید و این نوع ناپسامانها و نابرابریها پایان خواهد یافت، سعادت دنیا و آخرت بدست آنان خواهد افتاد زیرا که در آن همه چیز موجود است و آنچه بشریّت در تمام ابعاد به آن نیازمند است، در متن اسلام وجود دارد.

کدام دین و مکتب است که این همه توجه به انسان و شناخت آن و اهمیت و فوق العاده بودن وظایف و جایگاه رفیع آن داشته باشد؟  
کدام مکتب است که به اندازه اسلام از دوران قبل از بوجود آمدن انسان بلندی تا بی نهایت و برای مراحل پس از مرگ و دوران برزخ و مراحل بعد از آن را مد نظر قرار داده و برای هر کدام راه حل و رهنمودی داشته باشد؟

کدام دین و مکتب است که به اندازه اسلام هم به مسائل روحی و معنوی این همه اهمیت قائل شود هم دنیا را مزرعه و مقدمه آخرت بداند؟ هم بدنی نظر دارد و هم به آخرت، هم به انسان نظر دارد و هم به روابط انسان با خدای عالم و هم به روابط آن بادیگران. روی تک تک اینها انگشت گذاشته و برای همه راه حل و رهنمود ارائه فرموده است در عین اینکه روی عقل و استدلال و منطق و فکر و اندیشه تکیه نموده و آنانی که نمی خواهند بیاندیشند و نمی خواهند زحمت فکر و اندیشه را متحمل شوند شدیداً مورد انتقاد قرار داده و توبیخ فرموده است که چرا نمی اندیشید، در عین حال به عرفان و شهود و سیر معنوی و درونی نیز اهمیت والائی قائل است و انسان را دعوت کرده است از این سفره گسترده الهی استفاده کند و از نعمتهای متنوع و غیرمتناهی آن برخوردار گردد. اگر دنیا تاکنون نتوانسته است از برکات این سفره بزرگ و گسترده الهی استفاده نماید و

بعد از آنکه مشخصه های اصلی انقلاب اسلامی بدست آمد و تفاوت های اصلی و جوهری این انقلاب بی نظیر در ارتباط با انقلابات دیگر مشخص گشت، لازم است درباره معرفی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و وظایف مردم و دنیای اسلام درباره آن و نقش تعیین کننده ای که انقلاب اسلامی ایران در تحقق آن و بوجود آوردن دستاوردهای عظیم و غیرقابل توصیف آن داشته و دارد به مطالبی اشاره شود تا بیشتر حساسیت موضوع و اهمیت آن بر همگان روشن شود بویژه بر مسلمانان جهان اسلام که از نزدیک جریان حرکت برق آسای مردم مقاوم و شهیدپرور ایران اسلامی را مشاهده اند، روحیه مقاومت و شهادت طلبی و ایثارگری زنان و مردان و مردم ما را ندیده اند و مطمئناً هرکسی حاضر در صحنه های حماسی نباشد و از نزدیک آن نوع حرکت های چند میلیونی سبیل آسای مردم را نبیند، چگونه امکان دارد از دور و تنها از طریق شنیدن و خواندن در مطبوعات - مانند خود مردم ما که صاحبان اصلی این حرکت بودند و هستید - لمس نموده و درک کنند؟ شنیدن کی بود مانند دیدن؟ و چقدر بجا و به موقع است کسی در این باره قلم بزند و رشته سخن و تحریر را در دست گیرد که بانی و معمار و معلم و پیشوای این حرکت است و زمینه های حرکت را او فراهم کرده و هدایت امت را از دور مدنی که در حال تبعید بود و از نزدیک که در کشور مردم بود و در غم و اندوه و شادی مردمش شریک بود و پدران و دلسوزانه دست فرزندانش را می گرفت و به ساحل نجات رهبری می فرمود، طبعاً چنین معرفی و تحلیل، از سندیّت و استحکام بیشتری برخوردار بوده و افرادی که از دور صدای انقلاب اسلامی را شنیده اند و همچنین نسل آینده که در دوران انقلاب نبودند با کمال اطمینان می توانند بهر کلمه کلمه آن استاد نمایند و بهمین جهت همه ما و کسانی که در گوران این جریانات بودند و با ایمان و باور به این حرکت در کنار امامشان قرار داشتند، در حفظ و حرمت و تبیین این ذخایر الهی باید بکوشید و از آن حمایت نمایند تا دست نامحرمان و زمان آنها را کهنه و مندرس نسازد.

یاری، حضرت امام قدس سره مثل همیشه چنین اعتقاد داشتند اگر معارف اسلام خوب تبیین شود و مفاهیم آن به درستی مورد تحلیل و بررسی



استعدادهایی در همان قوه و امکان باقی مانده است و به مرحله کمال و خارجیت نرسیده است، نه از این جهت بوده که اسلام نتوانسته است دست آنها را بگیرد و استعدادهای آنان را به فعلیت برساند، بلکه برای این است که اسلام در حجابهای گوناگون پوشیده و مخفی مانده است، از یک طرف حجاب جهل مردم نسبت به حقایق و معارف حقیقه آن مانع بزرگی بوده و هست و یکی از شگردهای دشمنان اسلام همین است که نگذارند اسلام با آن نورانیت تبیین و تحلیل شود و از طرف حاکمان جور و سلاطین ظالم که بنام اسلام حکومت کرده و انواع گوناگون ظلم و ستم را به مردم روا داشته اند و مردم در اثر عدم توانشان بر تحلیل واقعی معارف اسلامی و تفکیک اعمال آنان از متن اسلام، اعمال ناشایست آنانرا بنام اسلام و حکومت اسلامی گذاشته و بدی اعمال آنان را از حساب اسلام جدا نکردند و اگر هم افرادی بودند که قدرت تحلیل و تفکیک را داشتند یا می‌تربسند بصورت علمی اعلام نظر نمایند و یا در تنگناهای مختلف قرار می‌گرفتند. و کفر جهانی نیز کوشیده است این نوع کارها را بیای اسلام بگذارند و بتدریج توده مردم را از اسلام و حکومت اسلامی دلسرد و مأیوس نمایند و در نهایت اسلام را از صحنه زندگی بیرون کنند و در این جهت مع الأسف موفق هم شدند، لذا نظر امام چنین است که نقش انقلاب اسلامی در ایران تنها این نبود که رژیمی را سرنگون کرد و رژیم دیگری را جایگزین ساخت و نقش انقلاب اسلامی ایران تنها این نبود که حاکمان جور را برکنار کرد و افراد عالم و صالح را جای آنان قرار داد بلکه زحمات طاقت فرمای انبیاء الهی را که در طول تاریخ کشیده بودند و در اثر موانع فراوان فراموش شده بود به شمر رساند و توطئه های قرون متوالیه و بویژه ۱۴ قرن هجری را که از ناحیه شیاطین داخلی و بیرونی و از ناحیه حاکمان باصطلاح اسلامی و عالمان دین فروش و مقدسان احمق بر علیه اسلام فراهم می‌شد خنثی ساخت و مجدداً اسلام و مفاهیم اسلامی را با همان خصوصیت و پیامی که در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم داشت احیاء کرد و امت اسلام را به گم شده خویش راهنمایی کرد و شیوه برخورد با دشمنان اسلام را هم از مذاققتان و ملحدان و زرتندوزان و یا متحجران بی فکر و کم عقل یاد داد و راه مبارزه با کفر جهانی را آموخت و بالاخره مجدداً پس از سالیان دراز و قرن‌ها دوری از زندگی در سایه مکتب الهی و دینی ایده و شیوه اسلامی و الهی را با تمام خصوصیت فردی و جمعی و مردمی و الهی به صحنه زندگی برگرداند و راه مقابله و ستیز با ظالمان و مستکبران را بر همه کسانی که زیر شلاق مستکاران عالم استخوانهای بدنشان خرد شده بود و فریاد مظلومیت آنان به جانی نمی‌رسید و در زیر شکنجه های گوناگون روحی و جسمی بسر می‌بردند نشان داد و این معنی امر کوچکی نبود و نسبت و در طول تاریخ این نوع تحوّل و دگرگونیها کمتر اتفاق می‌افتد و لذا باید قدرش را دانست و از حرمت و حریمش بطور جدی و همه جانبه دفاع و حمایت کرد و در حفظ و نگهداری آن تلاش نمود تا از برکات و ثمرات آن همه جهانیان و مظلومان

بشریت بهره‌مند گردند و تمامی مسلمانان در سایه گسترش انقلاب اسلام در سراسر جهان در رهائی زنجیر کشیده شدگان نقش خودشان را ایفا نمایند.

حضرت امام رضوان الله علیه در این باره اینطور می‌فرماید:

۲- اسلام و حکومت اسلامی بدیده الهی است که با به کار بستن آن معادله فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که فتنه سرخ بر سنگریها و چپاول گریها و فسادها و تجاوزها بکشد و اسانها را کمال مطلوب خود برساند و مکشبی است که بر خلاف مکتبهای غیر توحیدی نام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت است و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار نموده است و موانع مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گویزد نموده و برقع آن کوشیده است اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت موعود پایه ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مبرر آن است، بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است و انبیا عظام از آدم علیه السلام تا خاتم النبیین صلی الله علیه و آله وسلم در راه کوشش و فداکاری جان فرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه باز نداشت و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام علیهم صلوات با کوششهای توان فرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند و امروز بر ملت ایران خصوصاً بر جمیع مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدنی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقاء آن و رفع موانع و مشکلات کوشش نمایند و امید است که بر نوپو آن بر تمام کشورهای اسلامی تأیید گردد و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقذرها عالم خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان بگردانند.

اینجانب که نفس های آخر عمر را می‌کشم به حسب وظیفه، مشطری از آن در حفظ و بقاء این ودیعه الهی دخالت دارد و مشطری از موانع و خطرهای که را تهدید می‌کنند برای نسل حاضر و نسل های آینده عرض می‌کنم و توفیق تأیید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهم.

حضرت امام رضوان الله علیه از این به بعد در دو مرحله مطالبی را بر بشریت بالخصوص برای نسل انقلاب و ملت انقلابی ایران اسلامی می‌فرماید.

در مرحله اول با توجه به این که انقلاب را محصول فداکاریهای فرزندان ملت انقلابی ایران و همه انبیاء و اولیاء الهی می‌داند و روی سرمایه گذاری زیادی در قرون گذشته و در قرن معاصر به عمل آمده است این پدیده الهی معلول رنجها و زجرهای همه محرومان تاریخ از گذشته



عصر حاضر است و واقعاً با سادگی و آسانی بدست نیامده است و با خون دل‌های زیادی بوجود آمده است قهراً برای حفظ و نگهداری آن باید مهندسی پیش بینی شده و عوامل بقاء و استدامه آن عمیقاً مورد بررسی و شناخت قرار گیرد و در حفظ و نگهداری انقلاب از آن بهره‌برداری شود و لذا در این مرحله امام انقلاب (ره) به عوامل بقاء و دوام انقلاب اسلامی پرداخته و امت خویش را در این وادی رهنمود می‌دهد.

و در مرحله دوم مسائل و موضوعاتی را مورد تأکید و بررسی قرار می‌دهد که بالفعل و بالقوه ممکن است انقلاب را مورد تهدید قرار دهد و موجب نابودی و یا تغییر جهت گیری انقلاب گردد و در هر دو صورت ممکن است انقلاب اسلامی به خطر افتاده و این فرزند جدیدالولاده ازین همه رنج و خون‌دل خوردنها مورد تهاجم و یروسهای مختلف قرار گرفته و حیات وی قابل تضمین نباشد و در خطر مرگ و نابودی واقع شود بنابراین در دو مرحله مسأله انقلاب اسلامی مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد:

**الف: عوامل بقاء و دوام انقلاب اسلامی و یا به تعبیر دیگر رمز بقاء انقلاب اسلامی چیست؟**

**ب: چه خطراتی ممکن است آن را مورد تهدید قرار دهد و چگونه می‌توان از آنها جلوگیری کرد و جلو خطرات را گرفت؟**

### رمز بقاء انقلاب اسلامی

هر نوع انقلاب بعنوان یک پدیده اجتماعی و همچنین انقلاب اسلامی مانند هر پدیده دیگری که در نظام آفرینش بوجود می‌آید و وعانی از عالم هستی را بر می‌سازد نمی‌تواند یک نوع حالت جداگانه داشته و فارغ از اصول کلی حاکم بر نظام خلقت تحلیل و توجیه داشته باشد و از جمله اصولی که بر همه نظام وجود حاکم است و چیزی از تجاوز آن مستثنی نمی‌باشد قانون علیت و معلولیت است در نظام هستی موجودی یافت نمی‌شود که مشمول این قانون نبوده و تحت پوشش علت و یا معلول نباشد و هر موجودی از موجودات عالم را در نظر داشته باشیم یا علت است و یا معلول و یا نسبت به چیزی معلول است و نسبت به چیز دیگر علت. من جهة علت و من جهة آخر معلول خواهد بود و معقول نمی‌باشد که ما چیزی را در نظر داشته باشیم که نه علت چیزی باشد و نه معلول چیزی دیگر. انقلاب یکی از حوادث و پدیده‌ها مهم اجتماعی است که بدون تردید بصورت تصادفی و اتفاقی امکان ندارد تحقق پیدا کند خواه و ناخواه یک سری عواملی که نوعی رابطه و سختیت هم با ضروره با این پدیده دارد و خواهد داشت قبل از آن باید تحقق پیدا کند تا این پدیده خارجیت یابد زیرا که احکام مصرح عقلی قابل استثناء و تخصیص نمی‌باشد و چون در جای خودش با ثبات رسیده است همان علل و عواملی که موجب حدوث و پیدایش آن پدیده شده است و آن را بوجود آورده است به عینه بدون کوچکترین تغییر و دگرگونی علت بقاء و استمرار آن نیز هست و بعبارت دیگر همان چیزی که علت

حدوث و بوجود آمدن هست علت بقاء و دوام هم هست زیرا که رابطه میان علت و معلول یک نوع رابطه سطحی و صوری و ظاهری نمی‌باشد بلکه آن قدر عمیق و ریشه دار است معلول در ارتباط با علت و عواملی که آنرا بوجود آورده است اساس و ذاتش عین رابطه و ارتباط است که اگر رابطه معلول را از علت قطع نمایند معلول هم نخواهد ماند و به تعبیر فلسفی وجود معلول عین ارتباط با علت خویش می‌باشد. روی این حساب اگر ما بخواهیم رمز و علل بقاء و دوام یک انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم و بدست بیاوریم علل بقاء و رمز دوام و استمرار یک انقلاب چیست؟ باید برگردیم به علل و عوامل اصل بوجود آمدن و پیروزی یک انقلاب چه چیز است هر چیزی که اصل انقلاب را بوجود و موجب پیروزی آن شده است همان چیز موجب دوام و رمز بقاء آن انقلاب هم هست بنابراین انقلاب اسلامی که به پیروزی رسید و پایه‌های خود را یکی پس از دیگری محکم ساخت و چندین سال از عمر این فرزند جدیدالولاده می‌گذرد اگر بخواهد با همان نشاط و قدرت و تهاجم بماند و زمینه نجات و رهائی ملت‌ها را نوید دهد و از اوج و عظمت آن کاسته نشود و بالاخره اگر بخواهد با همان وضعیت که در ابتداء داشت باقی بماند رمزش همان است که در ابتداء وجود داشت و با همه تنگناها توانست از عقبه‌ها عبور کند و به این مرحله از پیروزی برسد و حادثه‌ای را بوجود آورد که نظر آن در تاریخ بشریت کمتر رخ داده است و ما وقتی با دقت علل و عوامل پیروزی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در ارتباط با این حادثه عظیم اجتماعی مد نظر قرار می‌دهیم به علت اصلی و اساسی پی می‌بریم و اگر علل و عوامل دیگری نیز وجود داشته باشد قهراً هم وجود دارد به این علت‌های اصلی و محوری بر می‌گردد و آنها ایمان و اعتقاد مردم و انگیزه الهی است که اکثریت مردم ما داشتند و دارند و همین عنصر معنوی و عارفانه العاده بود که توانست این همه روحیه شهادت طلبی و حماسی در مردم بوجود آورد و همه آنان را در کنار هم مانند بنیان مرصوص قرار دهد و اجتماع و احساس و حضور مردم است که در طول تاریخ بی سابقه به نظر می‌رسد و عاقل امامت و رهبری خاص حضرت امام قدس سزده است که ایشان بعنوان تواضع و بزرگواری به این عامل اشاره نفرموده‌اند ولی از همه آنها مشرتر و تعیین کننده‌تر است زیرا که آن دو عامل قبلی وقتی می‌توانند تأثیری در جامعه ایجاد نمایند و تحولی را در یک ملت بوجود آورند رهبری آشنا و با کفایتی لازم است که بتواند از این دو عنصر به نحو احسن بهره‌برداری نموده و با تکیه بر انگیزه‌های دینی موجود در مردم آنان را منسجم و متحد نماید و شرایط دگرگونی را در محیط مهیا سازد تا اهداف انقلاب و اسلام را مورد تعقیب و پیگیری قرار دهد و در سایه ایمان و اعتقاد مردم و حضور آنان در صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی آن اهداف مقدس و الهی را پیاده نماید و سعادت دنیوی و اخروی را برای بشریت به طور جاودانه ارمغان آورد.



فیاض آن موجود ملکونی سیراب شده و عزت و کرامت اسلامی و انسانی خود را در آن جسته اند اکنون شاهد آنند که ملت های دیگر حتی ملت های غیر مسلمان، نسخه تعالیم انقلابی آن قائد عظیم را مایه نجات خود دانسته و آزادی و عزت خویش را در آن یافته اند، امروز به برکت نهضت آن یگانه دوران، مسلمانان در همه جا بیدار شده اند و کاخ امپراتوریهای سلطه ظالمانه، رو به ویرانی نهاده است، ملتها، ارزش قیام ملی را دریافته و غلبه خون بر شمشیر را تجربه می کنند، و همه در همه جا چشم به ملت مقاوم و ستوه ایران دوخته اند.

بدیهی است که برای آمریکا و دیگر سردمداران استکبار چیزی مهم تر از این نیست که ملت ایران از راه دهساله خود برگردد یا در آن تردید کند، زیرا در این صورت نقطه درخشان امید ملتها کور خواهد شد و غلبه خون بر شمشیر مورد تردید قرار خواهد گرفت. ما صریحاً به همه ملت های جهان اعلام می کنیم که تفکر

### بقیه از مبنای رهبری در اسلام

اختلافات تنها نزد قاضی بیان می کرد. کسی را بر کاری که در مانند آن عذری می یافت سرزنش نمی کرد تا عذر او را بشنود. از دردی که به آن مبتلا می شد شکایت نمی کرد مگر پس از بهبودی. به آنچه می گفت عمل می کرد و آنچه خود بدان عمل نمی نمود. برای دیگری نمی گفت. اگر مغلوب کسی در سخن گفتن می شد در سکوت کس نمی توانست بر او غلبه کند. در شنیدن حریص تر بود تا گفتن. در انتخاب دو کار هر یک که به تمایل نفسانی او نزدیکتر بود را انتخاب نمی کرد.

پس بر شما باد به تحصیل و ملازمت این ویژگیها و رقابت در فراگرفتن آنها، و اگر نمی توانید همه این صفات را تحصیل کنید، بدانید که گرفتن اندک بهتر از فروگذاری بسیار است.<sup>۱۲</sup> در این مرتبه از امامت، همه اهل ایمان از نظر قرآن بر یکدیگر امامت و ولایت دارند. یعنی همه موافقند با گفتار و کردار دیگران را به خوبیها دعوت کنند و از بدیها نهی نمایند:

«والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعضی بالمرءة بالمعروف وبنهون عن المنکر»<sup>۱۳</sup>

مردان و زنان با ایمان ولایت بر یکدیگر دارند «و بنهون عن المنکر» هر کدام دیگری را امر بمعروف و نهی از منکر می کند. این ولایت، ولایت و فرماندهی سیاسی نیست بلکه حقی است که خداوند متعال برای اصلاح جامعه، به فرد فرد افراد مسلمان داده که می توانند برای زدودن منکر از جامعه و گسترش معروف به یکدیگر فرمان بدهند و نه تنها می توانند از این ولایت و حق الهی استفاده کنند بلکه باید

### بقیه از رمزهای انقلاب

بشاید این همان عواملی که در اصل بوجود آمدن انقلاب اسلامی مؤثر بودند و با دست به دست هم دادن، چنین نهضت عظیمی را پدید آوردند با تمام قدرت و اصالت و سلامت و بدون کوچکترین تغییری در بقاء آن نهضت نیز باید بمانند و انقلاب و نهضت مقدس اسلام را حفظ نمایند؛ روی این حساب، هر چه در اصل بوجود آمدن انقلاب اسلامی دخالت داشته و مؤثر بوده است همانها یعنی در بقاء آن نهضت و انقلاب نیز دخالت

«خانه یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القاء آن دارد خدعه و نیرنگی استکباری بیش نیست و علیرغم آمریکا و همکارانش امام خمینی در میان ملت خود و جامعه خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد خواهد داشت.

راه اوراه ما، هدف او هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ما است. همه ملت و مخصوصاً جوانان عزیز و نوجوانان، خود را سربازان امام محبوبشان بدانند و با اتکال به خدا و استمداد از حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداه با قوت و قدرت به سمت هدفهای عالی امامشان حرکت کنند بدانند که پیروزی نهائی از آن ماست...  
«کتاب الله لأغلین أنا ورسلی».

دهم خرداد ۱۳۶۹ برابر با ششم ذی القعدة ۱۴۱۰  
علی الحسینی الطالقانی

استفاده نمایند.

در اوج این مرتبه از امامت و ولایت، انسان به مرحله ای از کمالات می رسد که کردارش بیش از گفتارش مردم را به نیکی دعوت می کند و بدی باز می دارد، کمتر می گوید و بیشتر عمل می کند و بدین ترتیب گفته امیرالمؤمنین علیه السلام به زیباترین فضایل انسانی در این بُعد دست می یابد:

«زیادة الفعل علی القول أحسن فضیلة ونقص الفعل عن القول أفح رذیلة»  
فرونی کردار بر گفتار زیباترین فضیلت و کاستی کردار بر گفتار زشت ترین رذیلت است.<sup>۱۴</sup>

۱. المفردات فی غریب القرآن تألیف ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به رافع الصفهانی اعلام اواخر قرن پنجم هجری.
۲. فصوص. آیه ۴۱.
۳. التوبة. آیه ۱۲.
۴. امراف. آیه ۳۸.
۵. امت و امامت تألیف دکتر علی شریعتی مصفحه ۱۱۰.
۶. مانند اینکه در تعریف رئیس جمهور گفته شود، رئیس جمهور کسی است که مردم سعادت و کمال هدایت نماید.
۷. الصف. آیه ۳۲.
۸. نهج البلاغه فیض. حکمت ۷۰.
۹. وسائل الشیعه. جلد ۱۱ ص ۱۱۰.
۱۰. نگاه کنید به میزان الحکمه جلد ۶ باب ۲۸۹۶ «قوم یقرضون شفاهم بمقاریض من نار»
۱۱. فرقان. آیه ۷۴.
۱۲. نهج البلاغه فیض. حکمت ۲۸۱، این سخن با اندکی تفاوت در بحار جلد ۶۹ ص ۲۸۱ امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است.
۱۳. التوبة. آیه ۱۳.

داشته و مؤثر است. رمز بوجود آمدن انقلاب عیناً رمز بقای انقلاب است. اگر در گذشته حضور مردم نقش مؤثری داشته، الآن نیز همان نقش را دلرد و اگر رهبری تعیین کننده بوده، الآن نیز تعیین کننده است و ایمان و اعتقاد مردم در گذشته، عامل بسیج عمومی و همگانی آنان بوده الآن چنین است و اگر مجموعه آنها در گذشته مؤثر بوده است الآن چنین است.

پاسدار اسلام - سال نهم /